

دکتر گری یتس، کتاب دوازدهم، جلسه ششم

آموس، گناهان اجتماعی

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد پیامبران کوچک است. این سخنرانی ششم در مورد کتاب عاموس، گناهان اجتماعی است.

ما به مطالعه کتاب ۱۲ ادامه می‌دهیم و بر پیام پیامبر عاموس تمرکز می‌کنیم.

در همان ابتدای کتاب عاموس، ما این تصویر قدرتمند از خدا را داریم که واقعاً، به نظر من، به نوعی پایه و اساس پیام عاموس است. او می‌گوید خداوند از صهیون غرش می‌کند. او صدای خود را از اورشلیم بلند می‌کند.

مراجع چوپانان سوگواری می‌کنند و قله کرمل خشک می‌شود. عاموس در سراسر این کتاب، خدا را به صورت شیری غران و طوفانی در حال نزدیک شدن به تصویر می‌کشد. با توجه به شرایط تاریخی و پیشینه خدمت عاموس که در جلسه قبلی در مورد آن صحبت کردیم، یعنی بحران آشور، این ارتش قدرتمند که در شرف حمله به اسرائیل است، می‌فهمیم که چرا او خدا را به این شکل به تصویر کشیده است.

این افراد شروع به بدیهی دانستن خدا کرده‌اند. آنها لطف خدا را به خود تحمیل کرده‌اند. آنها لطف خدا را بدیهی پنداشته‌اند.

آنها نعمت‌هایی را که خدا به آنها داده، بدیهی پنداشته‌اند. بنابراین، خدا عاموس را می‌فرستد، خانه‌ات را ترک کن، کسب و کار پررونقت را در جنوب رها کن، شرکت‌هایی را که در آنجا انجام می‌دهی، رها کن. من می‌خواهم که تو به شمال بروی و به مردم اسرائیل هشدار دهی که نافرمانی، بی‌وفایی و ارتداد آنها باعث خواهد شد که خدا داوری خود را نازل کند.

اگر شما یک پیامبر بودید، اگر شما پیامبر عاموس بودید، خدا چه نوع پیامی به شما می‌داد تا به این مردم بگویید؟ اعلام آن پیام چگونه بود؟ خب، همانطور که عاموس برای قوم اسرائیل موعظه می‌کند، و همانطور که آنها را در مورد خدا به عنوان یک شیر غران و طوفانی که در حال نزدیک شدن است هشدار می‌دهد، همانطور که سعی می‌کند آنها را در مورد جدی بودن آنچه که در تاریخشان با توجه به حمله قریب‌الوقوع آشوریان اتفاق می‌افتد، بیدار کند، چه مسائل و چه مشکلات و چه نگرانی‌هایی وجود دارد؟ چرا خدا یک شیر غران است؟ چرا خدا اینقدر نگران آنچه در زندگی قومش می‌گذرد است؟ در کتاب عاموس خواهیم دید که عاموس نبی قرار است بر سه موضوع خاص در رابطه با قوم اسرائیل تمرکز کند. از بسیاری جهات، فکر می‌کنم این مسائل و این مضامین و این نگرانی‌ها نمایانگر پیام پیامبران به طور کلی هستند. می‌توانیم عاموس و به نظر من پیام عاموس و الهیات عاموس را در نظر بگیریم و به این کتاب به عنوان نماینده‌ی آنچه پیامبران در اسرائیل و یهودا، بحران آشور و بحران بابل سعی در گفتن آن به مردم دارند، نگاه کنیم.

من فکر می‌کنم اولین مضمون و اولین تأکیدی که در کتاب عاموس می‌بینیم این است که عاموس به افرادی که در ثروت خود بی‌خیال شده‌اند هشدار می‌دهد. عاموس به افرادی که در ثروت خود بی‌خیال شده‌اند هشدار می‌دهد. ما این را در ویدیوی قبلی دیدیم.

خداوند به طرز باورنکردنی اسرائیل را برکت داده بود. خداوند مرزها و سرزمین‌های آنها را در زمان یربعام دوم گسترش داده بود. تجارت بین‌المللی به دلیل ارتباطاتی که یربعام برای مردم ایجاد کرده بود، گسترش یافته بود.

در این دوران ثروت باورنکردنی، به جای اینکه آن نعمت آنها را به شکرگزاری و سپاسگزاری از آنچه خدا به آنها وعده داده بود، سوق دهد، به جای اینکه از روی سپاسگزاری به او خدمت کنند، زیرا او این سرزمین باورنکردنی را به آنها داده بود و آنها را به این طرق خاص برکت داده بود، خدا را فراموش کردند. آنها ثروت خود را منبع نهایی امنیت و اهمیت خود دانستند. آنها خدا را در اولویت زندگی خود قرار دادند و غرق در دارایی‌های خود و چیزهایی شدند که خدا به آنها داده بود.

شریعت عهد عتیق می‌گفت که فرمان نهایی این است که خدا را با تمام قلب، ذهن و قدرت خود دوست بدارید و همسایه خود را مانند خودتان دوست بدارید. مسئله جدی اینجا این است که ثروت بر هر دوی این مسئولیت‌های عهدی تأثیر گذاشته بود. آنها به جای دوست داشتن خدا، ثروت خود را دوست داشتند.

به جای اینکه همسایه خود را مانند خودشان دوست داشته باشند، هرچه فرصت‌های بیشتری برای سخاوتمند بودن و از خودگذشتگی در نحوه برخورد با یکدیگر داشتند، حریص‌تر، خودخواه‌تر و مادی‌گراتر شدند. تعدادی از آیات وجود دارد که عاموس به طور خاص بر موضوع حرص و طمع و مادی‌گرایی مردم پادشاهی شمالی تمرکز می‌کند. یکی از این آیات در عاموس، فصل ۴، آیات ۱ تا ۳ برای ما یافت می‌شود. عاموس این را با اشاره‌ای طعنه‌آمیز به زنان ثروتمند پادشاهی شمالی آغاز می‌کند.

او این را می‌گوید: ای گاوهای باشان، این را بشنوید. باشان این مکان کشاورزی ممتاز در سرزمین اسرائیل بود. قوی‌ترین، چاق‌ترین و ارزشمندترین دام‌ها از این بخش خاص از اسرائیل بودند.

این اصطلاحی است که عاموس برای خطاب قرار دادن زنان ثروتمند سامره به کار می‌برد. هر واعظی که شجاعت گفتن این جمله را در مورد زنان حاضر در جمع خود داشته باشد، مردی است که من به او احترام می‌گذارم. من قصد ندارم در هیچ زمانی در خدمت آینده‌ام از او تقلید کنم.

اما، ای گاوهای باشان، این کلمه را بشنوید. آنها مشکل وزن ندارند. آنها مشکل رفاه دارند.

او می‌گوید، کسانی که بر کوه‌های سامره هستند، به فقرا ظلم می‌کنند، نیازمندان را سرکوب می‌کنند، به شوهرانتان می‌گویند: بیاورید تا بنوشیم. آنچه در اینجا داریم تصویری از این زنان است که فقط به نیازهای خود و لذت خودشان اهمیت می‌دهند. آنها همزمان با ظلم به فقرا به شوهرانشان می‌گویند: برای ما الکل بیشتری بیاورید تا بنوشیم تا بتوانیم نیازهای خود را برآورده کنیم.

خداوند می‌گوید که قرار است به این موضوع رسیدگی کند و با این مردم برخورد کند. این داوری است که او علیه آنها خواهد کرد. خداوند به قدوسیت خود قسم خورده است که اینک روزهایی بر شما می‌آید که شما را با قلاب‌ها می‌برند، حتی آخرین شما را با قلاب‌های ماهیگیری، و شما از شکاف‌ها بیرون خواهید رفت، هر یک از شما جلوتر، و شما به هماهنگی بیرون رانده خواهید شد، این را خداوند می‌گوید.

برای زنانی که این رفاه باورنکردنی را تجربه کرده‌اند، می‌توانید به فصل سوم کتاب اشعیا و نحوه‌ی صحبت او با زنان ثروتمند و مرفه یهودا در آنجا نگاه کنید، و او اساساً همان حرف را به آنها می‌زند. آنها به تبعید برده خواهند شد. آنها در تجمل زندگی کرده‌اند.

آنها نیازهای دیگران را نادیده گرفته‌اند. آنها از فقرا سوءاستفاده کرده‌اند. در نتیجه، آنها تمام وحشت‌های تبعید را تجربه خواهند کرد.

می‌گوید که شما را با قلاب خواهند برد. ما تصاویر، کتیبه‌ها و نقش برجسته‌هایی از آشوریان داریم که در واقع پادشاهان آشوری یا فرماندهان آشوری را در حال بردن اسیران خود با قلاب‌هایی از طریق بینی یا دهانشان به تصویر می‌کشند. این اتفاق برای زنان ثروتمند اسرائیل که با ثروت و لذت خود نابود شده‌اند، خواهد افتاد.

عاموس در فصل ششم آیات یک تا هفت به این موضوع می‌پردازد. او در واقع حتی قصد دارد درباره افرادی در یهودا صحبت کند که همین مشکل را دارند. آنها از سلطنت پررونق عزیا دوم لذت برده‌اند.

باز هم، به جای اینکه آنها را به سوی خداوند هدایت کند، آنها را از خدا دور کرده است. عاموس در فصل ششم، آیات یک تا هفت، می‌گوید: وای. هر زمان که این کلمه در انبیاء استفاده می‌شود، ایده وای، اعلام مرگ است.

این یک پیشگویی افسوس است. تقریباً مثل مرثیه سرایی برای کسی است. عاموس می‌گوید، ببین، مرگ از راه می‌رسد چون تو همسایه‌هایت را نادیده گرفته‌ای.

شما در صهیون در آسایش زندگی کرده‌اید. من از نحوه ترجمه‌ی این ایده‌ی پیشگویی وای از سوی کتاب مقدس اینترنتی خوشم می‌آید. کسانی که در صهیون در آسایش زندگی می‌کنند، گویی مرده هستند.

آنها فرصتی دارند تا مراسم تشییع جنازه خود را قبل از وقوع ببینند. اگر راه خود را تغییر ندهند، اگر از این دیدگاه حریصانه و مادی به زندگی دست نکشند، آنگاه خدا در نهایت آنها را قضاوت خواهد کرد. وای بر کسانی که در صهیون آسوده‌خاطرند و بر کسانی که در کوه سامره احساس امنیت می‌کنند.

شما پادشاهی جنوبی ثروتمند و مرفه صهیون، اورشلیم، را تصور می‌کنید. در شمال، شهر ثروتمند و پررونق سامره و ثروتمندان و ثروتمندانی را دارید که در آنجا زندگی می‌کنند. کسانی که با پادشاه و بوروکراسی مرتبط بودند و از تمام مزایای سلطنت یربعام دوم و عزیا بهره‌مند شده بودند.

اینها افرادی هستند که هدف داوری خدا قرار گرفته‌اند. در ادامه آیه اول، آنها به عنوان مردان برجسته اولین ملت‌هایی که خاندان اسرائیل به آنها می‌رسد، توصیف شده‌اند. علیرغم این مقام والای رهبری، علیرغم سبک زندگی‌ای که از آن برخوردار بوده‌اند، خداوند آنها را به عنوان کسانی که قرار است داوری را تجربه کنند، هدف قرار می‌دهد.

در ادامه، توضیحات بیشتری در این مورد ارائه خواهیم داد. این پیشگویی در آیه چهارم ادامه می‌یابد: وای بر کسانی که دوباره خبر مرگ را اعلام می‌کنند. مراسم تشییع جنازه‌ای در راه است و این افراد ثروتمند و متمول در مراسم تشییع جنازه شرکت خواهند کرد.

وای بر کسانی که بر تخت‌های عاج می‌خوابند و بر تخت‌هایشان دراز می‌کشند. بنابراین، می‌توانیم این افراد را در دامان تجمل تصور کنیم که بره‌ها را از گله و گوساله‌ها را از میان طویله می‌خورند. آنها غذای فراوان دارند.

آنها گران‌ترین و غنی‌ترین گوشت‌ها را می‌خورند. در بیت پنجم، با نوای چنگ، ترانه‌های بی‌معنی می‌خوانند و. مانند داوود، برای خود آلات موسیقی اختراع می‌کنند.

کسانی که شراب را با کاسه‌های پر می‌نوشند و خود را با بهترین روغن‌ها تدهین می‌کنند، اما از نابودی یوسف غمگین نیستند. و بنابراین، می‌توانید تصور کنید که مردم اینجا دوباره در دامان تجمل زندگی می‌کنند. آنها بر تخت‌های عاج خود هستند.

آنها غذای زیادی برای خوردن دارند. آنها آواز می‌خوانند. آنها موسیقی می‌نوازند.

آنها شراب را سر تا پا می‌نوشند. زندگی آنها در لذت می‌گذرد. و در نتیجه، آنها ویرانی‌ای را که قرار است بر سر یوسف بیاید و انبیاء در مورد آن به آنها هشدار می‌دهند، درک نمی‌کنند.

آیه هفتم این را می‌گوید: بنابراین، ایشان اکنون اولین کسانی خواهند بود که به تبعید می‌روند. و عیاشی کسانی که خود را به خوشگذرانی می‌زنند، از بین خواهد رفت. ما بر این نکته تأکید کرده‌ایم.

خداوند مردم را از روی هوس قضاوت نمی‌کند. قضاوت‌های خداوند تصادفی نیستند. قضاوت‌های خداوند ناعادلانه نیستند.

در اینجا به طور واقعی حس می‌شود که داوری‌ای که عاموس این افراد را از آن برحذر می‌دارد، یعنی مجازات با جرمشان مطابقت دارد. زیرا آنها در ناز و نعمت زندگی کرده‌اند و خدا و دیگران را نادیده گرفته‌اند. این افراد کسانی خواهند بود که به طور خاص هدف داوری تبعید و تمام وحشت‌ها و محرومیت‌هایی قرار خواهند گرفت که هنگام تصرف آنها توسط آشوریان رخ خواهد داد.

آمده است می‌گوید: «شادی و سرور کسانی که خود را به زحمت ESV کلمه‌ای که در آیه هفتم در ترجمه می‌اندازند، از بین خواهد رفت.» کلمه عبری آنجا «میرزا» است. وقتی به این کلمه هم‌ریشه و ریشه آن همانطور که در زبان‌های دیگر و در ادبیات خارج از کتاب مقدس استفاده شده است، نگاه می‌کنیم، این جشن‌ها و اعیاد خاص به نام اعیاد میرزا وجود داشته است.

آنها شامل پرستش خدایان بت‌پرست، مقادیر زیاد غذا و نوشیدنی و الکل، لذت و فساد جنسی بودند که اغلب با آن مرتبط بودند. و اغلب در زمینه پرستش خدایان دیگر در این زمینه‌های بت‌پرستی انجام می‌شد. به نظر من این واقعیت که عاموس از این کلمه خاص برای صحبت در مورد عیاشی استفاده می‌کند، درک دیگری از آنچه در آیه چهارم داریم به ما می‌دهد: دراز کشیدن بر تخت‌های عاج، خواندن سرود، خوردن گوشت و نوشیدن شراب با کاسه‌های پر.

این فقط یک سبک زندگی ولخرجانه نیست، بلکه در واقع پذیرفتن بت‌پرستی فرهنگ اطرافشان است. عاموس و پیامبران می‌خواهند ما درک کنیم که ثروت به خودی خود شر نیست. من فکر می‌کنم این یک دیدگاه کتاب مقدسی است.

هر آنچه در زندگی داریم، خداوند به ما می‌دهد تا از آن لذت ببریم، اما در ثروت و مادی‌گرایی خطری وجود دارد که در نهایت ما را از خدا دور می‌کند، وقتی که این موضوع به محور زندگی ما تبدیل شود. خداوند اغلب در عهد عتیق به افرادی مانند ایوب و ابراهیم، ثروت زیادی عطا می‌کند، اما آن ثروت می‌تواند به یک مانع تبدیل شود. تثنیه به قوم اسرائیل هشدار داد که وقتی از ثروت و مزایا و برکات سرزمین موعود لذت می‌برید، این امر تمایل دارد که شما را از خدا دور کند.

پولس در نامه خود به تیموتائوس به ما هشدار می‌دهد که ثروتمندان مراقب خطرات باشند. پول به خودی خود ریشه همه بدی‌ها نیست. پولس می‌گوید که عشق به پول ریشه همه بدی‌ها است.

فکر می‌کنم این ایده را اینجا در کتاب عاموس هم می‌بینیم. خدا قرار است کسانی را که به ثروت خود مغرور شده‌اند، داوری کند. حالا می‌خواهم به اسرائیلی‌ها و یهودی‌های قرن هشتم فکر کنیم که به این ورطه کشیده شده‌اند و به خودمان فکر کنیم و آن را با فرهنگ امروزان مقایسه کنیم.

وقتی به تصویر یا نقاشی معمول از یک خانه در عصر آهن در اسرائیل نگاه می‌کنم، چیزی که می‌بینم یک ساختار بسیار ساده است. این جایی نیست که بخواهم در آن زندگی کنم. حتی نمی‌خواهم آن را به عنوان اتاق خوابگاه دانشگاهم داشته باشم.

آنها محل سکونت خود را با دام‌هایشان به اشتراک می‌گذاشتند. آن دسته از افرادی که در آن نوع سازه‌ها زندگی می‌کردند، وسوسه‌ی خطرات مادی‌گرایی را داشتند. اگر این در مورد آنها صادق باشد، پس ما امروز در غرب با این همه دارایی، این همه ثروت و چیزهای باورنکردنی که از آنها لذت می‌بریم، چه شانس داریم؟ این یک وسوسه‌ی واقعی است که باید آن را جدی بگیریم.

وقتی به اشیاء موجود در اسرائیل باستان در قرن هشتم نگاه می‌کنم، مثلاً شهر سامره به عنوان نمادی از جایگاه اجتماعی استفاده می‌شد. این یک تلویزیون ۵۰ اینچی نبود. این یک ماشین جدید هم نبود.

این نوع چیزها نبود. جواهرات گران‌قیمت بود، یا کنده‌کاری‌های عاج که ممکن است روی خانه یا مبلمان شما باشد. اگر آن افراد با مادیات دست و پنجه نرم می‌کردند، چقدر بیشتر باید مراقب خطراتی باشیم که امروزه برای ما وجود دارد؟ هشدار خوبی است.

این افراد زندگی ساده‌ای دارند. اگر به ثروتمندترین بنی اسرائیل نگاه کنیم، می‌بینیم که آنها در سطحی زندگی می‌کنند که به نوعی پایین‌تر از سطح زندگی ما خواهد بود. اگر این افراد با این وسوسه‌ها وسوسه شوند، ما چه شانس داریم؟ اگر این افراد با وسوسه‌های لذت و شهوت شخصی وسوسه شوند، چقدر بیشتر باید مراقب باشیم وقتی در فرهنگی زندگی می‌کنیم که وسواس جنسی و ارضای جنسی، الکل و زندگی برای رسیدن به اوج بعدی را دارد؟ یوحنا به ما می‌گوید که دنیا را دوست نداشته باشیم و شهوت جسم، شهوت چشم و غرور زندگی چیزهایی هستند که ما را از خدا دور می‌کنند. این ما را تشویق نمی‌کند که فهرست خودمان از کارهای قانونی که انجام می‌دهیم و انجام نمی‌دهیم را تهیه کنیم.

اما به ما یادآوری می‌کند که لذت و ثروت و لذت‌های شخصی و وسوسه‌های جنسی و مواد مخدر و الکل همه این چیزها چیزهایی هستند که باید به آنها توجه کنیم. آن دسته از ما که پدر و مادر هستیم باید این نوع چیزها را به فرزندانمان یادآوری کنیم. من فکر می‌کنم پیامبران قرن هشتم چیزهایی دارند که برای ما امروز بسیار مهم است که در مورد آنها فکر کنیم.

عاموس به افرادی که در ثروت خود مغرور بودند هشدار می‌دهد. حال، دومین چیزی که عاموس قصد دارد بر آن تمرکز کند، و این بسیار مرتبط با چیزی است که ما در مورد آن صحبت کردیم، عاموس قصد دارد به افرادی که عدالت را نسبت به فقرا و نیازمندان رعایت نمی‌کنند، هشدار دهد. من فکر می‌کنم اکثر ما که چیزی در مورد پیامبران می‌دانیم، می‌دانیم که موضوع عدالت اجتماعی یک ایده تکرارشونده در پیام پیامبران است.

دلیل این امر به خاطر اتفاقاتی است که در قرن هشتم رخ می‌داد، زمانی که اسرائیل این رفاه باورنکردنی را تجربه کرده بود، به جای اینکه جامعه‌ای باشند که خدا می‌خواست باشد، جایی که همسایه خود را دوست داشتند، جایی که سخاوتمندانه به همسایه خود قرض می‌دادند، جایی که از یکدیگر مراقبت می‌کردند، جایی که به نیازهای دیگران بیش از خود اهمیت می‌دادند، به جامعه‌ای تبدیل شده بودند که در آن وسواس ثروت

داشتند تا جایی که از همسایگان فقیرتر خود سوءاستفاده می‌کردند. بنابراین، عاموس فصل ۲، آیات ۶ و بعد از آن بر تمام راه‌های مختلفی که قوم اسرائیل نسبت به همسایگان خود عدالت را رعایت نمی‌کردند، تمرکز خواهد کرد. پیامبر می‌گوید، خداوند چنین می‌گوید، برای سه گناه اسرائیل و برای چهار گناه، من مجازات آنها را لغو نخواهم کرد زیرا آنها عادل را به نقره و نیازمند را به یک جفت صندل می‌فروشدند

سر فقیران را در خاک زمین پایمال می‌کنند. راه ستمدیدگان را منحرف می‌سازند. مردی و پدرش با یک دختر همبستر می‌شوند تا نام مقدس من بی‌حرمت شود.

آنها در کنار هر قربانگاهی بر روی لباس‌هایی که به گرو گرفته می‌شوند، دراز می‌کشند و در خانه خدای خود، شراب کسانی را که جریمه شده‌اند، می‌نوشند. بنابراین، وقتی عاموس می‌خواهد فهرستی از گناهان قوم اسرائیل به ما ارائه دهد، فهرستی که به ما می‌دهد، به طور خاص بر راه‌هایی که آنها از فقرا سوءاستفاده کرده‌اند، تمرکز دارد. آنها چنان شیفته ثروت هستند که حاضرند پارسایان را به خاطر یک جفت کفش بفروشند.

آنها از این کنیزان فقیر سوءاستفاده می‌کنند، به این صورت که پدر و پسر هر دو با این زن می‌خوابند و از آنها سوءاستفاده جنسی می‌کنند. آنها در حالی که بر لباس این افراد فقیر می‌نشینند، خدا را عبادت می‌کنند و هیچ تناقضی با این کار نمی‌بینند. بنابراین، در سراسر کتاب عاموس تأکید و پیامی وجود دارد مبنی بر اینکه آنها نیازهای فقرا را نادیده گرفته‌اند.

ما در فصل ۴ دیدیم که گاوهای چاق باشان، که از خود سیر شده‌اند، به فقرا ظلم می‌کنند و از نیازمندان به عنوان راهی برای پر کردن جیب خود سوءاستفاده می‌کنند. در فصل ۵، جایی که این فراخوان‌های مکرر از سوی عاموس به مردم برای توبه وجود دارد، او در فصل ۴ می‌گوید، مرا بجوید و زنده بمانید. آیه ۶. خداوند را بجوید و زنده بمانید.

آیه ۱۴: در پی نیکی باشید و نه بدی. خب، در آیه ۱۵، دقیقاً منظور عاموس از جستجوی نیکی و نه بدی یا جستجوی خداوند را درک می‌کنیم. از بدی متنفر باشید و نیکی را دوست داشته باشید و عدالت را در دادگاه برقرار کنید.

شاید خداوند، خدای لشکرها، نسبت به بازماندگان یوسف لطف و عنایت داشته باشد. تنها راه ممکن، تنها راهی که اسرائیل می‌تواند رحمت و لطف و بخشش خداوند را تجربه کند، این است که این شیوه زندگی را که در آن از فقرا سوءاستفاده می‌شود، کنار بگذارند. در آیه ۲۴ از فصل ۵، عاموس می‌گوید: بگذارید عدالت مانند آب و عدالت مانند نهر همیشه جاری جاری شود.

بنابراین، وقتی عاموس درباره توبه صحبت می‌کند، منظورش فقط رفتن به اتاق و دعا کردن و اعتراف به گناهان در پیشگاه خدا نیست. او به طور خاص به قوم اسرائیل می‌گوید که باید رفتار خود را نسبت به یکدیگر اصلاح کنند. آنها باید به جایی برگردند که خدا آنها را فراخوانده بود تا به فقرا و نیازمندان اهمیت دهند و همسایه خود را مانند خودشان دوست داشته باشند.

همانطور که به این موضوع نگاه می‌کنیم، و همانطور که در پرتو عهد عتیق به طور کلی به پیام عاموس فکر می‌کنیم، فکر می‌کنم چیزی که ما می‌فهمیم این است که عاموس به مردم یادآوری می‌کند که آنها دقیقاً برعکس آنچه خدا برای قوم اسرائیل در نظر گرفته بود، شده‌اند. خدا اسرائیل را به عنوان یک نمونه اولیه یک الگو، یک نمونه برای سایر ملت‌ها طراحی کرده بود تا به آنها نشان دهد که جامعه قرار است چگونه باشد. برای ما امروز، این بدان معنا نیست که ما قانون عهد عتیق را به اجرا درآوریم، اما به این معنی است که حتی به عنوان مسیحیان و مؤمنان، و حتی اگر دیگر تحت عهد موسی نباشیم، به عهد عتیق برای

ارزش‌ها، اولویت‌هایی که برای خدا هنگام تأسیس جامعه، هنگام تأسیس یک ملت مقدس که قرار بود الگو و نوری برای سایر مردمان باشد، مهم بودند، نگاه می‌کنیم.

این همان چیزی است که این جامعه، این همان چیزی است که قرار بود این فرهنگ در مورد آن باشد. آنچه خداوند برای قوم اسرائیل تأکید کرد این است که آنها باید قوم عدالت باشند. کلمه عبری آن مشپات است.

اما معنای عدالت در اسرائیل و معنای عدالت در عهد عتیق ممکن است دقیقاً همان چیزی نباشد که ما فکر می‌کنیم. ما معمولاً به عدالت فکر می‌کنیم و فکر می‌کنیم که عدالت شامل دادن آنچه به مردم شایسته آن هستند به آنهاست. این به معنای زندگی بر اساس اصل قانون است و این بخش مهمی از عدالت است.

اما در عهد عتیق، عدالت چیزی بیش از این است. عدالت صرفاً به معنای دادن آنچه به مردم شایسته آن هستند نیست. کتاب مقدس این ایده را گسترش می‌دهد تا بگوید که عدالت واقعی شامل تمایل به دادن آنچه به مردم نیاز دارند نیز می‌شود.

عدالت در جامعه‌ای که خدا آن را طراحی کرده و روشی که خدا برای قوم اسرائیل تعیین کرده است، به این معنی است که کسانی که بیش از نیاز خود دارند، در نهایت حاضرند به کسانی که به اندازه کافی ندارند ببخشند. مشکل این است که وقتی ثروت محور زندگی شما می‌شود، وقتی ثروت به بتی تبدیل می‌شود که برای آن زندگی می‌کنید، وقتی ثروت چیزی می‌شود که امنیت و اهمیت نهایی شما را تعیین می‌کند، آنقدر مهم می‌شود که برای رسیدن به آن هر کاری که لازم باشد انجام می‌دهید. و بنابراین، اگر ثروت به خیر نهایی من تبدیل شود، اگر افراط شخصی، اگر لذت، اگر ارضای نیازهایم به جای خیر، به جای خود خدا، به خیر نهایی زندگی من تبدیل شود، من هر کاری که لازم باشد انجام می‌دهم تا آن آرزوها را برآورده کنم.

به جای اینکه برای برآورده شدن نیازهایم به خدا توکل کنم، به خودم، تلاش‌های خودم و تلاش‌های خودم برای رسیدن به آنها اعتماد خواهم کرد. و اگر مجبور باشم مرتکب خشونت شوم یا اگر مجبور به بی‌عدالتی شوم یا مجبور به سوءاستفاده از شخص دیگری شوم، خدایی که به دنبالش هستم آنقدر برایم مهم است که این کار را خواهم کرد. و بنابراین، عاموس بر اهمیت اجرای عدالت تأکید خواهد کرد.

همچنین، در فصل ۵، آیات ۱۱ و ۱۲، بسیار شبیه به فهرست گناهانی است که در عاموس، فصل ۲ می‌بینیم. قوم اسرائیل، بگذارید از آیه ۱۰ شروع کنم، از کسی که سرزنش و انکار می‌کند متنفرند. آنها از کسی که حقیقت را می‌گوید بیزارند. آنها نمی‌خواهند مردم به آنها یادآوری کنند که خدا از آنها چه انتظاری دارد، زیرا این کاری نیست که آنها می‌خواهند انجام دهند.

در عوض، آنها فقیر را پایمال می‌کنند. از او مالیات غله می‌گیرند. شما خانه‌هایی از سنگ‌های تراشیده ساخته‌اید، اما در آنها ساکن نخواهید شد.

تاکستان‌های دلپذیر کاشته‌اید، اما شراب آنها را نخواهید نوشید، زیرا می‌دانم که خطاهای شما چقدر زیاد و گناهانتان چقدر بزرگ است. شما که پارسایان را آزار می‌دهید، رشوه می‌گیرید و نیازمندان را در درگاه گمراه می‌کنید.

بنابراین، هر که عاقل باشد در چنین زمانی سکوت خواهد کرد زیرا زمان بدی است «پس دوباره، آنها از فقرا سوءاستفاده می‌کنند. داوری خدا، مجازات متناسب با جرم خواهد بود، زیرا او چیزهایی را که آنها از طریق اعمال نادرست یا از طریق ظلم یا از طریق طمع، و طمع و گناه خودشان از دیگران به دست آورده‌اند، از آنها خواهد گرفت. آنچه عاموس می‌گوید دقیقاً همان چیزی است که اشعیا در فصل ۵، آیات ۸ تا ۱۰ خواهد گفت.

وای بر کسانی که مزرعه‌ای به مزرعه دیگر و خانه‌ای به خانه‌ی دیگر اضافه می‌کنند. چون این کار را کرده‌اید، دیگر هرگز فرصت زندگی در آن خانه‌ها را نخواهید داشت، زیرا مزارعی را که خدا به بنی‌اسرائیل به عنوان میراث و میراث خداوند داده بود، تصاحب کرده‌اید و آن را به شیوه‌ای نادرست از آن خود کرده‌اید. من کاری می‌کنم که آن زمین محصول ندهد و شما از فواید و برکات آن بهره‌مند نخواهید شد.

این پیام عاموس نبی است. او به این افرادی که در اجرای عدالت کوتاهی کرده‌اند هشدار می‌دهد که قرار است به خاطر نحوه رفتارشان با همسایگان‌شان، مورد حسابرسی قرار گیرند. باز هم، همانطور که عاموس را در متن عهد عتیق قرار می‌دهیم، این یادآوری تمام راه‌هایی است که جامعه بنی‌اسرائیل در قرن هشتم دقیقاً برخلاف آنچه خدا طراحی کرده بود، بود.

می‌خواهم به شریعت عهد عتیق، به اسفار پنجگانه و تورات برگردم و برخی از چیزهایی را که خدا به بنی‌اسرائیل در مورد نحوه برخورد آنها با یکدیگر گفته بود، به ما یادآوری کنم. می‌خواهم آن آرمان‌ها و آن طرح‌ها و آنچه خدا در نظر داشت را بگیرم و آنها را در کنار آنچه در عاموس دیدیم قرار دهم. فکر می‌کنم تفاوت اینجا آشکار است.

خداوند در تورات به قوم اسرائیل گفته بود که باید به شیوه‌های بسیار خاصی به فقرا و نیازمندان رسیدگی کنند. چه این یک قانون باشد که باید با جزئیات دقیق از آن پیروی می‌کردند و چه صرفاً یک آرمان به آنها آموخته باشد، توجه عمیق به فقرا و نیازمندان بخشی از اخلاق تورات است. در خروج، فصل ۲۲، آیات ۲۵ و ۲۷ به ما می‌گوید که اگر یک اسرائیلی به اسرائیلی دیگری وام دهد و برای آن وام گرو بگیرد، اگر آن شخص آنقدر فقیر باشد که تنها چیزی که می‌تواند به عنوان گرو بدهد، ردای خود یا کتفش باشد، همسایه ثروتمند باید به همسایه فقیر خود که ردایش را به عنوان گرو به او داده است، مراجعه کند و اجازه دهد که آن را یک شب داشته باشد تا سردش نشود.

قرار بود آنقدر نگران این بیچاره باشی که هر شب برگردی و ردا را بدهی. فکر می‌کنم هدف نهایی آن قانون این بود که از همان اول ردا را به عنوان گرو نگیری. آیا تفاوت بین این و آنچه در عاموس می‌گذرد را می‌بینی؟ در عاموس، فصل ۲، آیه ۸، آمده است که آنها در کنار هر محرابی روی لباس‌هایی که گرو گرفته شده‌اند، دراز می‌کشند.

آنها به جای اینکه طبق معیارهای تورات زندگی کنند، به محراب می‌آمدند و تعهدی را که از همسایه خود گرفته بودند، یعنی جامه، مطرح می‌کردند. آنها از آن به عنوان زیرانداز خود در حین پرستش خداوند استفاده می‌کردند. چیزی اساساً متناقض و ناهماهنگ در این مورد وجود دارد.

خروج فصل ۲۳، آیه ۶، عدالت را برای فقرا در مراحل قانونی انکار نمی‌کند. آیا فقرا همیشه در دادگاه از حق و حقوق عادلانه‌ای برخوردارند؟ این اتفاق در اسرائیل باستان نمی‌افتاد. در فرهنگ ما هم نمی‌افتد، اما این چیزی بود که خدا برای قوم اسرائیل در نظر گرفته بود.

تثنیه فصل ۱۵ آیه ۱، هر هفت سال بنی‌اسرائیل باید تمام بدهی‌ها را لغو می‌کردند. خدا این کار را کرد تا مردم مجبور نباشند در فقر سیستماتیک و پایدار که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد، زندگی کنند. اگر شخصی بدهکار می‌شد و مجبور می‌شد به عنوان برده بدهی خدمت کند، در پایان این فرآیند فرصتی وجود داشت که می‌توانست آزاد شود و به سبک زندگی قابل قبولی بازگردد.

بعضی از شاگردانم پرسیده‌اند، آیا نمی‌توانیم این را با وام‌های دانشجویی تمرین کنیم؟ تثنیه ۱۵ می‌تواند متن بسیار خوبی در این مورد باشد. اما خداوند این را به عنوان راهی برای اطمینان از اینکه فقر چیزی نباشد که

نسل به نسل ادامه یابد، طراحی کرده بود. لاویان فصل ۱۹ و تثنیه فصل ۲۴، اگر من صاحب زمین بودم و اگر خدا مرا با محصولات کشاورزی برکت داده بود، در نهایت، آن محصولات منحصرأ متعلق به من نبودند.

آنها در نهایت هدیه‌ای از جانب خدا بودند و در نتیجه، من باید به فقرا اجازه می‌دادم که در مزارع من خوشه‌چینی کنند. این یک سیستم رفاهی باستانی بود. این صرفاً یک کمک مالی نبود.

فقرا باید برای این کار می‌کردند، اما من آنچه را که خدا به من عطا کرده بود، برداشتم و حاضر بودم آن را با دیگران تقسیم کنم. فرد فقیر می‌توانست در گوشه و کنار مزرعه خوشه‌چینی کند یا وقتی داشتیم غلات را درو می‌کردیم و ساقه‌های غلات در مزرعه باقی مانده بود، من نباید آن را برمی‌گرداندم. من باید آن را برای فرد فقیر باقی می‌گذاشتم.

تثنیه فصل ۱۵ آیات ۱۲ تا ۱۴، بردگان بدهکار عبری خود را هر هفت سال آزاد کنید. بنی‌اسرائیل قرار نبود که برادران اسرائیلی خود را برای همیشه به بردگی بگیرند. ما از کتاب ارمیا در یهودا در ارمیا فصل ۳۵ می‌دانیم که در شهر یهودا، یهودیان آنجا از این رسم آزاد کردن بردگان بدهکار خود پیروی نکرده بودند.

وقتی بابلی‌ها قصد حمله به شهر را داشتند، به عنوان راهی برای جلب رضایت خدا، بردگان خود را موقتاً آزاد می‌کردند. وقتی فشار سیاسی و نظامی ارتش مهاجم کاهش یافت، آنها بردگان خود را پس گرفتند. فکر می‌کنم می‌توانیم تصور کنیم که همین اتفاق در پادشاهی شمالی اسرائیل نیز در جریان بوده است.

تثنیه فصل ۲۳، برای وام‌هایی که به برادران اسرائیلی خود می‌دهید، بهره دریافت نکنید. شما مجاز بودید این کار را با بیگانگان انجام دهید، اما اجازه نداشتید این کار را با اسرائیلیان انجام دهید. تمرکز شما در دادن وام به شخص دیگر، بر روی بهره‌ای که می‌توانستید از آنها بگیرید، نبود.

این در مورد کمک به همسایه و یاری رساندن به او در زمان نیاز و بحران بود. تثنیه فصل ۱۰، آیه ۱۸، عدالت و دلسوزی را نسبت به بیوه زنان و یتیمان نشان می‌دهد. از بسیاری جهات، آنها در پایین نردبان بودند.

آنها نیازمندترین مردم این فرهنگ بودند. خدا خدایی بود که به بیوه زنان و یتیمان دلسوزی نشان می‌داد. خدا به روت اهمیت می‌دهد وقتی که او در سرزمین اسرائیل غریب است.

بنی‌اسرائیل نیز باید به این موضوع اهمیت می‌دادند. آنها باید شخصیت خدا را منعکس می‌کردند. به جای سوءاستفاده از نیازمندان، باید به بیوه زنان و یتیمان کمک می‌کردند.

به نظر من، فصل ۱۵ تثنیه، فصلی کلیدی است و قرار بود اصول راهنمایی را برای بنی‌اسرائیل فراهم کند زیرا آنها در مورد چگونگی برخورد با هم‌نوعان اسرائیلی خود در مواقع نیاز فکر می‌کردند. به نظر من، این یک متن کلیدی در آموزش اخلاق تورات به ماست. می‌خواهم به سه آیه خاص در تثنیه ۱۵ نگاهی بیندازم.

تثنیه ۱۵ آیه ۴ این را می‌گوید، اما هیچ فقیری در میان شما نخواهد بود. زیرا خداوند شما را در سرزمینی که یهوه، خدایتان، به عنوان میراث به شما می‌دهد تا آن را تصرف کنید، برکت خواهد داد. ما به این نگاه می‌کنیم. و می‌گوییم، این متن احتمالاً درباره چه چیزی می‌تواند صحبت کند؟ هیچ فقیری در میان شما نخواهد بود.

ما در عاموس می‌خوانیم که قطعاً در میان آنها افراد فقیری وجود داشته‌اند. ما این را در هر دوره از تاریخ اسرائیل می‌بینیم. افرادی بودند که فقیر و نیازمند بودند.

اما آیه ۴ تثنیه ۱۵ به ما یک آرمان می‌دهد. این آیه به ما یادآوری می‌کند که برکات سرزمین موعود چنان گسترده خواهد بود و خداوند قوم خود را چنان به وفور برکت خواهد داد که اگر آنها به شیوه‌ای که خداوند برایشان در نظر گرفته بود زندگی می‌کردند، دیگر نیازی به فقر کسی نبود. زیرا همیشه اسرائیلیانی وجود داشتند که بیش از نیاز خود داشتند و می‌توانستند آن را با همسایگان خود که به اندازه کافی ندارند، تقسیم کنند.

عدالت همین بود. این رزقی نبود که خودم به دست آورده باشم. این چیزی بود که از جانب خدا به من رسیده بود و من مسئولیت داشتم آن را با همسایه‌ام تقسیم کنم.

فصل ۱۵، آیه ۱۱ در تثنیه، در اینجا اصل دوم را داریم. از برخی جهات، به نظر می‌رسد که با آنچه در تثنیه آیه ۴ خواندیم، در تضاد است، اما این ایده‌آل است. واقعیت این است، ۱۵.

آیه ۱۱ می‌گوید، زیرا هرگز در این سرزمین فقری وجود نخواهد داشت. در حالت ایده‌آل، هرگز فقری وجود نخواهد داشت. شما به اندازه کافی از جانب خداوند مورد لطف قرار خواهید گرفت که در واقع، به عنوان یک جامعه، نیازی به وجود افراد فقیر نباشد.

اما واقعیت این است که هیچ‌وقت در این سرزمین فقر متوقف نخواهد شد. فکر می‌کنم گاهی اوقات تمایلی وجود دارد که آن آیه را بخوانیم و مکث کنیم و بگوییم، خوب، واقعیت همین است. زندگی همین است.

هیچ کاری از دست ما بر نمی‌آید. بیاوید این را بپذیریم. اما در واقع، خداوند به آنها دستور و راهنمایی می‌دهد که مبتنی بر این واقعیت است که همیشه در بین شما افراد فقیری وجود خواهند داشت.

بنابراین، نتیجه این است که، من به شما دستور می‌دهم، شما باید دست خود را به سوی برادران، نیازمندان و فقرای سرزمینتان باز کنید. شما نباید نسبت به برادر اسرائیلی خود سختگیر باشید. شما باید سخاوتمند باشید زیرا خداوند شما را برکت خواهد داد.

همیشه در زمین فقیر وجود خواهد داشت. شما مسئولیت دارید که آن نیاز را برآورده کنید. سپس فکر می‌کنم آیه‌ای که حتی فراتر از همه اینها می‌رود و در نهایت توضیح می‌دهد که چرا و انگیزه بنی اسرائیل از این طریق با مردم فقیر رفتار می‌کردند، یادآوری از جانب خداست که در تثنیه فصل ۱۵ آیه ۱۵ آمده است.

خداوند در آنجا می‌گوید، همانطور که خداوند، خدایتان، شما را برکت داده است، به او بدهید. من در مورد زمانی صحبت می‌کنم که یک برده بدهکار را از بردگی آزاد می‌کنید، و قرار نیست فقط او را رها کنید و بگذارید آزاد شود. شما باید به او آذوقه بدهید تا بتواند زندگی جدید خود را در حالی که در آزادی زندگی می‌کند، آغاز کند.

به او بده، و به یاد خواهی آورد که در سرزمین مصر برده بودی و خداوند، خدای تو، تو را رهایی داد. بنابراین، امروز به تو فرمان می‌دهم. انگیزه نهایی چیست؟ خدا آنها را از بردگی نجات داده بود.

خداوند آنها را از هر طریق ممکن برکت داده بود. آنها باید با کسانی که نیازمند بودند سخاوتمند می‌بودند زیرا به یاد می‌آوردند که خداوند چه کارهایی برایشان انجام داده است. فکر می‌کنم در بقیه عهد عتیق به ما یادآوری شده است، و به ویژه در پیامبران قرن هشتم به ما یادآوری شده است که این نوع جامعه‌ای نیست که اسرائیل به آن تبدیل شده بود.

آنها به فقرا و نیازمندان توجه نمی‌کردند، چون خدا آنها را برکت داده بود. آنها ثروت و رفاه باورنکردنی را تجربه کرده بودند. اما اوضاع برعکس شده بود و بهانه‌ای برای طمع، مادی‌گرایی و خودخواهی خودشان شده بود، زیرا این را خدای خود قرار داده بودند.

اگر مجبور باشم ظلم کنم، اگر مجبور باشم خشونت کنم، اگر مجبور باشم این را از کسی بگیرم، خیلی به این موضوع وسواس دارم. این به نقطه کانونی زندگی من تبدیل شده است، جایی که باید این را داشته باشم. و بنابراین فکر می‌کنم خیلی جالب است و یکی از کارهایی که می‌توانید هنگام آموزش پیامبران انجام دهید، این است که تثنیه ۱۵ را بردارید و این سه اصل را مطرح کنید.

نیازی نیست که در بین شما فقری وجود داشته باشد. با این حال، همیشه در بین شما فقری وجود خواهد داشت. بنابراین، دست خود را باز کنید، و سپس باید به فقرا بدهید، و باید به نیازمندان بدهید زیرا خدا شما را برکت داده است.

و سپس برای اینکه این را در کنار هم قرار دهیم، به اتفاقاتی که در اسرائیل قرن هشتم می‌افتاد نگاه کنید. به گاوهای چاق باشان نگاه کنید و پرسید، این زنان چگونه با تثنیه ۱۵ مطابقت داشتند؟ به فصل ۶ نگاه کنید و آنچه در مورد کسانی که در صهیون در آسایش هستند و در آسایش زندگی می‌کنند و در این جشنواره‌ها و اعیاد میرزا در عاموس فصل ۶ می‌گوید را ببینید. وقتی آنها را با تثنیه فصل ۱۵ مقایسه می‌کنیم، چگونه به نظر می‌رسند؟ در همه اینها یادآوری می‌شود که، باز هم، اسرائیل فراخوانده شد تا الگو و نمونه‌ای برای سایر ملت‌ها از آنچه یک جامعه قرار است به نظر برسد، باشد. واقعیت این است که وقتی آنها می‌خواستند خدایان و پادشاهان و حاکمانی مانند همه ملت‌های دیگر داشته باشند، چیزی که از آن پیروی می‌کرد این بود که سبک زندگی و رفتار آنها نیز مانند سایر ملت‌ها شد.

وقتی اخاب و ایزابل پرستش بعل را ترویج می‌دهند، خدایی کاملاً متفاوت وارد جامعه‌ی بنی‌اسرائیل می‌شود. خدایانی درست مثل انسان‌ها وجود دارند. حرص و طمع، مادی‌گرایی، خشونت، شراب‌خواری و همه این چیزها.

وقتی خدایی را اینگونه می‌پرستید، در نهایت از سبک زندگی او پیروی می‌کنید. بین پرستش خدایی که عمل بزرگش در عهد عتیق نجات گروهی از مردم از بردگی و اسارت است، تفاوت وجود دارد. این منش خدای اسرائیل است.

او به فقرا و نیازمندان اهمیت می‌دهد. این با منش خدای کنعانیان متفاوت است، کسانی که می‌کشند، قتل می‌کنند، زنا می‌کنند، می‌خوابند و هر کاری می‌کنند، چون نیازهایشان در اولویت است. وقتی به یکی از آن خدایان خدمت می‌کنید، در نهایت به مسیری متفاوت از خدمت به خدای اسرائیل منتهی می‌شود.

این اتفاقی است که در اسرائیل افتاده است. ایزابل و اخاب، وقتی می‌خواهند سرزمین نابوت را به باغ سبزیجات تبدیل کنند، حق دارند آن زمین را بگیرند و بکشند، زیرا این منش خدایانی است که آنها پیروی می‌کنند. این رفتار خدای آنهاست.

وقتی از رفتار خدای اسرائیل پیروی می‌کنید، وقتی ارزش‌های او را به اشتراک می‌گذارید، وقتی اولویت‌های او را به اشتراک می‌گذارید، این شیوه زندگی شما را تغییر می‌دهد. این شیوه نگاه شما به دیگران را تغییر می‌دهد. من فکر می‌کنم کاربرد و انتقال آن به عهد جدید برای ما کاملاً واضح و آشکار است.

یعقوب، که به نظر من از بسیاری جهات عمیقاً در اصول عهد عتیق نفوذ کرده است، می‌گوید دین حقیقی و پاک. این آیین‌ها و اعمال نیست. بلکه مراقبت از فقرا، عیادت از بیماران و نیازمندان و داشتن یک زندگی بی‌آلایش در دنیاست.

بنابراین، برای افرادی که فکر می‌کنند پیام پیامبران عهد عتیق به فرهنگ و جامعه امروز ما پی‌ریخت است، ما درک می‌کنیم که پیامبران به مردم در مورد ثروت هشدار می‌دهند. آنها به مردم در مورد اخلاقیاتی که از آن ناشی می‌شود هشدار می‌دهند. من فکر می‌کنم رفتار، دوباره، در اسرائیل قرن هشتم، وقتی به آنچه پیامبران به این مردم می‌گویند نگاه می‌کنم، اغلب دقیقاً مانند این است که آنها با فرهنگ معاصر امروز ما صحبت می‌کنند.

تفاوت زیادی وجود ندارد. گناه تغییر نکرده است. قلب مردم تغییر نکرده است.

بنابراین، به نظر من، مسائل کاربردی که از این موضوع ناشی می‌شوند، بسیار واقعی هستند. به نظر من مسیحیت انجیلی از بسیاری جهات، درک خود را از نیاز به مراقبت از فقرا و مراقبت از نیازمندان از دست داده است. فکر می‌کنم یکی از دلایلی که با نگاه تاریخی به این موضوع، این اتفاق افتاده است، ممکن است این باشد که ما هنگام خواندن کلام خدا، تورات یا پیامبران عهد عتیق را به اندازه کافی در رژیم معنوی شخصی خود قرار نداده‌ایم، یا ممکن است چیزی باشد که ما به سادگی به اندازه کافی در کلیساها آموزش نداده‌ایم.

ما تعدادی نویسنده و سخنران داریم؛ من به دیوید پلات و کتابش فکر می‌کنم که در مورد اهمیت مراقبت از نیازمندان صحبت کرد و آن را مغایرتی با موعظه انجیل ندانست. ما مجبور نیستیم راه انجیل اجتماعی را برویم و آن را صرفاً محور خدمت و پیام خود قرار دهیم، اما خداوند ما را فقط برای مراقبت از موعظه انجیل در مورد نیازهای معنوی مردم فرا نخوانده است. اگر به نیازهای معنوی مردم علاقه‌مند هستیم، اول از همه، به نیازهای جسمی آنها رسیدگی خواهیم کرد.

اغلب در بسیاری از کشورها، تنها راهی که می‌توانیم واقعاً دری باز برای موعظه انجیل داشته باشیم این است که با برآوردن نیازهای مردم و مراقبت از فقرا شروع کنیم. این چیزی نیست که در درجه دوم اهمیت نسبت به مأموریت ما باشد. این چیزی است که درست در کنار موعظه و اعلام انجیل قرار می‌گیرد.

و بنابراین، من فکر می‌کنم یکی از دلایلی که ما این موضوع را نادیده گرفته‌ایم، فقط تأثیر انجیل اجتماعی و تمایل به اجتناب از آن نیست. اغلب ما نادیده گرفته‌ایم که عهد عتیق چقدر اخلاق، ارزش‌ها و اولویتهای ما را به عنوان مسیحی شکل می‌دهد. کتابی که در این زمینه به من کمک کرده است، کریستوفر رایت است که کتابی به نام «اخلاق عهد عتیق برای امروز» نوشته است و به ما یادآوری می‌کند که اخلاق تورات، نگرانی برای نیازمندان و نگرانی برای فقرا است.

این چیزی است که باید در ارزش‌ها و اخلاق ما به عنوان مسیحی منعکس شود. می‌توانیم به کتاب تثنیه نگاه کنیم و در فصل ۱۵ می‌بینیم که نباید فقیری در بین شما باشد. با این حال، در بین شما فقیر وجود خواهد داشت.

بنابراین، دست خود را باز کن و نسبت به همسایهات سخاوتمند باش. می‌توانیم به این موضوع نگاه کنیم و وقتی به عهد جدید می‌رسیم، فکر می‌کنم این موضوع، مطالعه‌ی ما از کتاب اعمال رسولان را شکل می‌دهد. در اعمال رسولان باب ۴ و در اعمال رسولان باب ۵ می‌بینیم که کلیسای اولیه در همه چیز مشترک بود.

کسانی مانند برنابا بودند که بیش از نیاز خود داشتند، کسانی که حاضر بودند آن را بفروشند یا ببخشند، تا آن را به رسولان بدهند تا بتوانند نیازهای همسایگان فقیر خود را برآورده کنند. چیزی که در آنجا اتفاق می‌افتد این است که من فکر می‌کنم کتاب اعمال رسولان بر این نکته تأکید می‌کند که کلیسا در حال شروع به کار است. کلیسا در اینجا الگویی از آنچه خدا از همان ابتدا برای اسرائیل در نظر گرفته بود، است.

اغلب، در طول تاریخ خود، آنها در این امر شکست خورده بودند. همانطور که خدا در حال کار و ایجاد این جامعه جدید در کلیسا است، آنها آنچه را که تثنیه ۱۵ در مورد آن صحبت کرده بود، به انجام می‌رسانند. به این فکر کنید که چگونه پیام نبوی برای ما امروز مرتبط است، زیرا ما با این دو موضوع ثروت و طمع و مادی‌گرایی سروکار داریم، و سپس اینکه چگونه این موضوع به اخلاق عدالت ما سرایت می‌کند.

می‌خواهم به فصل پنجم کتاب اشعیا نگاهی بیندازم و به پیامی گوش دهم. اشعیا معاصر جوان‌تر عاموس نبی است. او از همان قرن است.

او پیامبری برای پادشاهی یهودا است. دوباره به آنچه او در قرن هشتم به یهودا می‌گوید و گناهان مختلفی که قرار است مستند کند، گوش دهید. آیه ۸: وای بر آنان که خانه‌ای را به خانه‌ای دیگر پیوند می‌دهند مزرعه‌ای را به مزرعه‌ای دیگر می‌افزایند تا جایی باقی نماند، و شما را مجبور می‌کنند که تنها در میان زمین ساکن شوید.

خداوند لشکرها در گوش من قسم خورده است؛ مطمئناً خانه‌های زیادی وجود دارند که متروک خواهند ماند، خانه‌های بزرگ و زیبایی که بدون سکنه رها می‌شوند. زیرا ده هکتار تاکستان فقط یک بٹ (واحد پول هند (و یک مشت بذر فقط یک ایفه) واحد پول هند (محصول خواهد داد. بنابراین، آنها حریص و مادی‌گرا هستند و زمین‌ها را تصرف می‌کنند و این کارها را به روش‌های ناعادلانه انجام می‌دهند.

آیا این شبیه چیزهایی است که امروزه در دنیای شرکت‌ها اتفاق می‌افتد؟ آیه ۱۱: وای بر کسانی که صبح زود از خواب بیدار می‌شوند تا به دنبال نوشیدنی‌های قوی بروند، و تا دیروقت در حالی که شراب آنها را شعله‌ور می‌کند، در رختخواب می‌مانند. آیا ما چیزی در مورد فرهنگی که غرق در لذت شخصی، مواد مخدر و الکل است و این به یک مبارزه تبدیل می‌شود، می‌دانیم؟ هی، این فرهنگ ماست. این جامعه ماست.

به آنچه در آیه ۱۸ آمده است نگاه کنید، وای بر کسانی که گناه را با ریسمان‌های دروغ می‌کشند، کسانی که گناهان را مانند طناب‌های ارابه به دور خود می‌کشند و می‌گویند، بگذار خدا سریع باشد و کار خود را سریع کند تا آن را ببینیم. آیا ما چیزی در مورد فرهنگی می‌دانیم که در آن مردم از خدا سرپیچی می‌کنند تا آنها را به خاطر گناهشان مجازات کند؟ وای بر کسانی که خوبی را بدی و بدی را خوبی می‌نامند. آیا ما هرگز چنین چیزی را در برنامه‌های گفتگوی رادیویی یا تلویزیونی که در آن سردرگمی اخلاقی وجود دارد، می‌بینیم؟ این جامعه ماست.

فصل ۵، آیه ۲۱، وای بر آنان که خود را خردمند می‌دانند. فصل ۲۲: وای بر آنان که در نوشیدن شراب قهرمانند. بنابراین، برای آن دسته از شما که کشیش هستید و در خدمت آموزش کلام خدا به دیگران مشارکت دارید، می‌خواهم درک کنید که پیام پیامبران واقعاً چقدر به جامعه و فرهنگ امروز ما مرتبط است.

چندین مضمون کلیدی در سراسر کتاب عاموس مطرح می‌شود. اولین مضمون این است که عاموس قرار است با مردمی روبرو شود که به ثروت خود مغرور شده‌اند.

این به محور زندگی آنها تبدیل شده است. پیام دومی که او قرار است به آنها بدهد این است که آنها نسبت به همسایه خود عدالت را رعایت نکرده‌اند. آنها اصول و آرمان‌های تثنیه فصل ۱۵ را رعایت نکرده‌اند.

در این کتاب مواردی وجود دارد که باید ما را به بررسی قلب خود و کلیساهایمان و اینکه چقدر منعکس کننده اخلاق خدایی هستیم که به فقرا و نیازمندان اهمیت می‌دهد، وادارد و به جامعه‌ای تبدیل شویم که به یاد داشته باشد این موضوع واقعاً برای خدا چقدر مهم است. امیدوارم مطالعه کتاب عاموس به ما کمک کند تا این موضوع را به خاطر بسپاریم.

این سخنرانی دکتر گری یتس در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد پیامبران کوچک است. این سخنرانی ششم در مورد کتاب عاموس، گناهان اجتماعی است.